

سالمندانی که احساس بی حرمتی می کنند

ماهرخ غلامحسین پور

در کتاب کمتر خوانده شده «شب یک، شب دو»، اثر «بهمن فرسی» شخصیتی وجود دارد به نام «حافظ»، مرد هنرمندی که عاشق سکس با زنان پا به سن گذاشته و دارای مشکلات جسمی - حرکتی است.

همین که پردازش چنین کارکردی به ذهن نویسنده باهوشی همچون فرسی رسیده نشان از واقعی بودنش در دنیای بیرون از کلمات دارد.

بارها از احتمال بروز خشونت، آزار و حتی تجاوز به سالمندان به عنوان گروه در معرض خطر شنیده ام، در گزارش های مختلف سازمان های حمایتگر نسبت به آزار و خشونت و تجاوز به سالمندانی که قادر به محافظت از خودشان نیستند هشدار داده شده، چرا که سالمندان یکی از گروه های آسیب پذیر جامعه هستند که کمتر از افراد عادی توانایی حمایت و محافظت از خودشان را دارند و بسیاری شان به خاطر ابتلا به فراموشی یا نقص در حرکت، امکان دفاع یا حتی اطلاع رسانی را هم از دست می دهند، و به گفته ی کارشناسان، غالباً خشونت بر علیه سالمندان اثرات جبران ناپذیر و غیر قابل درمانی بر روح و روان آنان به جای می گذارد، خصوصاً این که در برخی موارد، خشونتگر یا متجاوز نه از دنیای بیرون که ممکن است سرپرست، پرستار یا از اعضای خانواده فرد سالمند باشد. دقیقاً کسی که به او پناه برده است.

روز پانزدهم آذرماه سال 1393 خبرگزاری راک نیوز نوشت دو مرد معتاد در ممسنی بعد از تجاوز به یک پیرزن بیمار او را به قتل رساندند. متأسفانه اخبار مربوط به خشونت های جدی یا تجاوز به میانسالان به ندرت رسانه ای می شود. آنها غالباً بی حرمتی انجام گرفته را پنهان یا انکار می کنند، گروهی که به بیماری دمنشیا و آلزایمر مبتلا هستند، به سرعت اصل جریان را فراموش کرده و گر چه از پیامدهای ناخوشایند آن مصون نیستند اما برخی دیگر که هوشیارند، ممکن است از طرح مسئله شرمند و خجل باشند.

چندی پیش یکی از کاربران شبکه اجتماعی نوشته بود: «پرستاری که وظیفه نگهداری تمام وقت از مادر بزرگش را به عهده داشته به او تجاوز کرده است» خواندن این خبر در فضای مجازی من را بر آن داشت تا در این باره شروع به جستجوی اینترنتی کنم.

با اینکه یکی دو نفر از دوستان کارشناسم تاکید کردند که حین گفت و گو با سالمندان مراجعه کننده، با هوشیاری متوجه بروز مواردی از این دست شده اند که ظن به یقین، خشونت جدی یا حتی تجاوز محسوب می شده و غالباً احتمال بروز خشونت به سالمند و حتی وقوع آزار جنسی را بالا می دانند، اما چنین مواردی به ندرت و به صراحت و روشنی با مراجع قضایی یا با مددکاران و روانشناسان مطرح می شود.

گر چه در دنیای محدود و خصوصی مان بارها از وقوع تجاوز به سالمندان می شنویم و ذهنمان قانع می شود که آزاررسانی به سالمندان اتفاق بعیدی نیست، اما به دلیل بافت سنتی موجود در جامعه و مسئله حرمت گذاری به سالمندان در خانواده، احساس شرمساری در قبال فرزندان یا نوادگان یا حفظ آبروی خانواده و مسائلی از این قبیل، آزار به سالمندان در تاریکی باقی می ماند.

از «راضیه دهدشتی» کارشناس ارشد روانشناسی بالینی ساکن اهواز می پرسیم اساساً دلایلی که ممکن است فردی به خشونت علیه یک فرد سالمند و ناتوان دست بزند چیست؟

«ارضای حس قدرت؛ سطح مقاومت و مقابله و توان جسمی سالمندان و ناتوانان معمولاً پایین است و به همین علت افرادی که به دنبال ارضای حس قدرت خودند، به آسانی به آنها آزار می رسانند. این آزارها از بی توجهی های معمولی از سوی افراد خانواده تا خشونت های روانی، کلامی و فیزیکی از سوی مددکار یا پرستار و افراد مراقب فرد سالمند ممکن است در نوسان باشد.

این آزارها به چه انگیزه ای اتفاق می افتد؟

این امر ممکن است ناشی از احساس تحقیر توسط یک عامل قدرت دیگر باشد و وقتی که فرد آزار دهنده به هر دلیلی - جسمی یا اجتماعی - توان پاسخ گویی و مقابله نداشته باشد، این فشار را بر سر فرد ضعیف تری که سالمند یا یک ناتوان است تلافی کند.

در ایران ممکن است برای مرد سالمند، پرستار زن و برای زن، مراقب مرد استخدام کنند؟

«در مراکز نگهداری از سالمندان خیر. مراکز نگهداری از سالمندان چه در بخش دولتی و چه خصوصی موظف به انتخاب نیروهای همجنس در بخش زنان و مردان هستند اما در خانه ها این اتفاق می افتد کما اینکه در فیلم های سینمایی ایرانی هم دیده شده - مثال بارزش فیلم جدایی نادر از سیمین اصغر فرهادی است - کمتر برای سالمندان زن از پرستار مرد استقبال می شود ولی من مددجویی داشتم

که به علت وزن بالا و بی حسی در بدنش که باعث می شد جا به جایی ایشان در حمام و دستشویی سخت باشد پرستار مرد داشت البته به صورت پاره وقت. منظور این است که چنین اتفاقی غیر ممکن و بعید نیست.

شما از مراکز بهزیستی هم دیدن کرده اید؟ اگر با آنها همکاری داشتید آیا چنین موضوعی در آنجا با شما مطرح شده؟ منظورم ذکر مواردی از خشونت است؟

من به شخصه همکاری نداشته ام، اما با مسئله شکایت سالمندان مواجه شده ام. برای سالمندان نگه نداشتن حرمتشان هم خشونت به حساب می آید. آنها خیلی حساس هستند. درست مثل بچه ها. گاهی حتی دچار حس اضطراب جدایی هستند در مواجهه با افرادی که از آنها نگهداری می کنند.

پرستاری که بیمار جنسی نیست و در زندگی عادی وضعیت سلامتی متعادلی دارد چرا باید در مقابل یک فرد سالمند گاهی به خشونت متوسل شود؟

سالمندان چون در مجموع سلامت جسمی ضعیفی دارند دیگران را به شدت درگیر خودشان می کنند و این موضوع گاه، فشار عصبی برای پرستار یا همراهشان ایجاد می کند و در مواقع حاد ممکن است به خشونت علیه سالمند کشیده شود. گاهی پرخاشگری، گاهی آزار فیزیکی و متأسفانه در برخی موارد هم تجاوز که البته مورد آخر تنها به دلیل عصبانیت رخ نمی دهد. یعنی منشا بروز مسائل متعددی است.

آیا شما احتمال بروز تجاوز به فرد سالمند و ناتوان را محتمل می دانید؟ به لحاظ روانشناختی چه کسانی ممکن است به خشونت و به طور خاص به تجاوز بر علیه یک سالمند تمایل داشته باشند؟

در مورد میزان بروز اظهار نظر دقیقی نمی توانم بکنم، چون نه آمار دقیق و مستندی در این زمینه وجود دارد و نه اگر کسی دچار شده باشد از آن حرف می زند. واقعیت این است که سالمندان جاذبه جنسی ندارند. اگر چه در منابع مرجع از افراد بیماری که تمایل به نزدیکی با سالمند دارند، یاد می شود ولی منشا این میل، انگیزه هایی از جمله انتقام از فرد سالمند یا مشکلات جنسی و ناتوانی های فردی است.

در نقطه مقابل از سوی سالمندان چگونه می توان به برقراری ارتباط جنسی با فردی که از آنها نگهداری می کند داشته باشند؟ آنها به لحاظ روحی و روانی چه مختصاتی دارند؟

بله این تمایل در میان سالمندان، بخصوص در گروه مردان وجود دارد. پرستاران زن زیادی را می شناسم که بعد از مدتی پرستاری از یک مرد سالمند، با اظهار میل فرد مورد مراقبت، به عقد او درآمده اند. اما در مورد زنان کمتر مواجه شده ام. ازدواج دو سالمند با همدیگر هم از مواردی است که زیاد در مراکز نگهداری آنها اتفاق می افتد.

چرا این میل در زنان سالمند کمتر است؟

نه اینکه کمتر باشد. به هر حال همین ازدواج ها در زمان پیری نشان می دهد که در میان زنان هم چنین تمایلی وجود دارد ولی غالباً در برابرش سکوت می کنند به همان دلایل عرفی و مسائلی که زنان جوانتر هم با آن درگیرند. عموماً هم آدمهای نرمال و بی عقده ای بوده اند اما به هر حال پدیده ارتباط جنسی در میان این قشر چه از سوی سالمندان مطالبه شود چه از سوی مراقبت کنندگان، اگر با خشونت همراه باشد باید مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد. علت های کلی چنین رفتارهایی همانهاست که اشاره شد اما رفتارشناسی جزئی بر اساس مورد، مطالعه می شوند و نمی شود در این باره اظهار نظر دقیق و بدون مطالعه داشت.